

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

بخش سوم
جنبش مشروطه خواهی اول

« ترک مال و ترک جان و ترک سر

در ره مشروطه اول منزل است »

بعضی از نویسندگان تاریخ معاصر کشور، مبداء « حرکت فکری جدید » را با نهضت سید جمال الدین افغان عصر امیر شیر علی خان (۱۸۶۳-۱۸۷۸) که منتج به نشر جریده شمس النهار، ایجاد مکتب حربیه و ترجمه یک تعداد کتب به السنه ملی گردید، نسبت میدهند. امیر شیر علی خان بعد از سپری نمودن دوره طولانی جنگ های داخلی متوجه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در عرصه های ملکی و نظامی گردید و برنامه های متعدد عمرانی و عرفانی را روی دست گرفت اما متأسفانه در اثر تجاوز دوم انگلیس (۱۸۷۸-۱۸۸۰ م) این نهضت در نطفه خنثا گردید. در جریان این جنگ خارجی و سلطنت بیست و یک ساله امیر عبدالرحمان خان، با تمام قهر و سرکوبی خونین آن نه تنها مجال برای حرکت فکری جدید میسر نشد، بلکه طوریکه قبلاً اشاره رفت دست آورد های اصلاحی دوره امیر شیر علی خان هم از ریشه خشک و صد ها تن از وطن پرستان و سربرآوردگان کشور سر به نیست شدند و در سیاه چاه های کابل و هرات تا اخیر سلطنت او با مرگ دست و گریبان بودند. خلاصه اینکه دوره امیر عبدالرحمان خان از نظر حرکت فکری و فرهنگی از بدترین دوره های تاریخی افغانستان به شمار میرود چنانچه از نظر شاد روان حبیبی «سلطه عبدالرحمان خان بر مملکت، یک غلبه عسکری و زور

سرنیزه و به اصطلاح فقها متغلب بود، ولی پسرش از راه نرمش پیش آمد و قدرت مطلق خود را رنگ اولوالامری شرعی و روحانی داد. « (۵) بناءً با درگذشت امیر عبدالرحمان خان در ۱۹۰۱ م از یکطرف زمینه تنفس برای مردم در داخل کشور به وجود آمد و از جانب دیگر شرایط بین المللی در اواخر سده نهم و به خصوص از آغاز قرن بیستم با سرعت در تغییر بود که در تحت چنین اوضاع و احوال ملی و بین المللی نهضت مشروطیت افغانستان توسط روشنفکران و مشروطه طلبان بنیان گذاری شد.

خالی از دلچسپی نخواهد بود اگر در همین جا جمله چند پیرامون سازماندهی و تشکل حزبی در داخل جنبش مشروطه اول ارائه نمایم:

جریده «سراج الاخبار افغانستان» طوریکه در مورد آن قبلاً صحبت شد صرف یک نشریه فرهنگی بود، چنانکه متن پیشنهادیه تشکیل آن ملاحظه میشود، نه تنها حاوی تقاضای سیاسی بلکه حتی مطالب اقتصادی نیز در آن گنجانیده نشده بود. این جریده به قول مرحوم حبیبی یک نشریه پانزده روزه بود که به ریاست مولوی عبدالروف خاکی ملای حضور و سرمد رس مد رسه شاهی به محرری مولوی محمد سرور و اصف الکوزی و همکاری محمود طرزی و چندی دیگر به نشرات خود آغاز نمود و بعد از نشر یک شماره، به دلایل متعددی در آثار نویسندگان انعکاس یافته، توقیف گردید و تا سال ۱۹۱۱ م در سراسر افغانستان نشریه ای با آن سویه دیگر وجود نداشت. این نکته قابل ذکر است که ترکیب هیأت تحریریه و شرکت محمود طرزی در ترتیب و تدوین این جریده تا هنوز بین نویسندگان به گونه متنازع فیه باقی مانده که البته بعداً در باره روی آن تماس گرفته خواهد شد. اما تا اکنون در باره همکاری محمود طرزی با «سراج الاخبار افغانستان» به استثنای جمله ذیل مرحوم حبیبی «در یادداشتی از دربار به نظر رسید که مرحوم محمود طرزی هم که در آنوقت از شام واپس به وطن عودت نموده و سپارش شده بود که از او هم در امور صحافت و مضامین جریده رای بخواهند.» هیچ سند کتبی و یا مدارک شفاهی وجود ندارد.

به هر حال تا این مرحله، نهضت مشروطه در کشور به شکل سازمان منسجم با مرام مشخص سیاسی وجود نداشت و اما اکثر نویسندگان از جمعیت سازمان یافته «حزب» بعد از توقیف جریده سراج الاخبار-افغانستان تذکر میدهند. پوهاند هاشمی تأسیس حزب منظم مشروطه خواهان را به اواخر سال ۱۹۰۸ و اوایل ۱۹۰۹ م نسبت میدهند چنانچه در این رابطه مینویسد: «پس از این همه رخدادها و عواملیکه قبلاً بدان اشاره شده است در پیوند منطقی با شرایط زیربنائی و مستقیم و غیر مستقیم در پدید آمدن و هسته گذاری افکار و اندیشه های عصر جنبش مشروطیت و تأسیس یک سازمان منظم سیاسی در اواخر ۱۹۰۸ و اوایل ۱۹۰۹ م در افغانستان از عوامل اساسی و مؤثر شکل گیری این جنبش روشنفکری به حساب می آید.» اما از گفتار ذیل میرسید قاسم خان چنین بر می آید که با پدید تشکیل حزب جمعیت مشروطه خواهان در ۱۹۰۶ م صورت گرفته باشد: «در طول تاریخ این حزب یعنی (۱۹۰۶-۱۹۰۹ م) محض یک بار جلسه عمومی دایر شد و آن فرصتی بود که غرض تسوید و تقدیم عریضه به حضور امیر حبیب الله خان اجتماع کرده بودند. (۶) به هر صورت این نکته قابل یاد دهانی است که تأسیس حزب و آغاز گسترش نهضت مشروطه خواهی دو موضوع جداگانه اند، چه نهضت مشروطه خواهی به استناد آثار چون «افغانستان در مسیر تاریخ»، «جنبش مشروطه خواهی در افغانستان» و «ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان» به مدت ها قبل از سال های ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ م بر میگردد. به قول پوهاند هاشمی شروع نهضت فرهنگی افغانستان در سال ۱۹۰۳ م، نشا نگر قبلی و مقدماتی مشروطه خواهان در این زمینه است. معاهده ۲۱ مارچ ۱۹۰۵ م

امیر حبیب الله خان با انگلیس ها رجال عمده اقشار روشنفکر، روحانیون، تجار آزاده از تسلط تجار هندی، مردم سرحدات کشور و ملت افغانستان، به جز دست راست دربار همه را مایوس و متأثر ساخت و گروه های اصلاح طلب و محافظه کار را به هم نزدیک نمود. (۷)

مرحوم حبیبی هم مانند سایر نویسندگان از تشکیل جمعیت منسجم بعد از توقیف جریده «سراج الاخبار افغانستان» یاد آوری نموده چنین مینگارد: «جامعه يك مخلوق متكامل و اثر پذیر است. سیر فکری و نشو و ارتقاء وی ممکن است در اثر موانع مدتی متوقف شود، ولی به کلی از بین نمیرود. انجمن سراج الاخبار نیز با موانع که استعمار انگلیس ایجاد کرده بود مدت کمی ظاهراً متوقف شد، ولی بعد از دو سه سال به صورت يك حزب متشکل و دارای مرام مترقی تر به وجود آمد، که آنرا در تاریخ فکری افغانستان مشروطیت اول گویم.»

بررسی اسناد و مدارک نشان میدهد که در عصر مشروطیت اول جمعیت های متعدد و یاقفات و گروه های مختلف شامل جنبش مشروطه خواهی بوده و هر حلقه نام مشخص خود را داشت مثلاً «جان نثاران ملت»، «جان نثاران اسلام»، «حزب جمعیت سر ملی» و «یاق گروه لیبرال های دربار» که در بعضی آثار تحت نام «حزب سری دربار» نیز یاد شده است. به گمان اغلب در آن روزگار مرز دقیقی بین جمعیت، کمیته و حزب وجود نداشت و از اصطلاحات مذکور، بدون در نظر داشت از تعاریف بسیار دقیق آنها برای نامگذاری گروه های خود استفاده میکردند.

شاد روان حبیبی جمعیت اول مشروطه خواهان افغانستان را به نام «اخوان افغان» یاد نموده و اظهار میدارد که: «این نام را نویسنده این سطور از چندین اعضای جمعیت شنیده ام مانند - مرحوم عبدالعزیز خان قندهاری، عبدالجلال خان قندهاری و تاج محمد خان بلوچ پغمانی.» نویسنده موصوف اعضای جمعیت «اخوان افغان» را صد هفتاد تن میدانند، اما اسمای اعضای برجسته آنرا تحت يك فهرست سی و يك نفری نشان داده است. با در نظر داشت مطالب فوق چنین تعبیر شده میتواند که يك سال بعد از تشکیل «انجمن سراج الاخبار افغانستان» یعنی درست در ۱۹۰۶ م مشروطه خواهان افغانستان اولین جمعیت متشکل خود را به نام «اخوان افغان» با مرانامه ده ماده یی ایجاد نمودند که این مطلب را گفتار سید مسعود پوهنیار (مخصوصاً از نظر زمانی) در «ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان» نیز تائید مینماید.

محترم مسعود پوهنیار در مورد بنیان گذاری هسته نهضت مشروطیت در کشور از زبان پدر خود - مرحوم میر سید قاسم خان که از جمله بنیان گذاران نهضت مشروطیت افغانستان است چنین می نویسد: «به اساس همین مفاهیم با لآخره مفکوره مشروطیت در افغانستان بین آن دو بنیان گذار - مولوی محمد سرور و اصف و میر سید قاسم خان به میان آمد، پس از آن در مجالس خصوصی وقتاً فوقتاً بایک دیگر رفقای همراز در این باره مشوره و مباحثه میشد تا اینکه در یکی از جلسات شبانه در سراچه میر صاحب تصمیم مفکوره تاریخی مشروطیت در افغانستان در ماه دسمبر ۱۹۰۶ م تصویب و مسجل گردید و برای پیشبرد آن مرام با اقدامات منسجم و تشکیل گروهها و اتخاذ دستورالعمل و غیره مسایل تحت قیادت مولوی محمد سرور خان و اصف آغاز یافت.» پوهنیار در پاروقی اثر خود اسمای اشتراک کنندگان این جلسه را چنین وانمود می سازد: «ذواتیکه در آن شب تاریخی اشتراک داشتند عبارت بودند از: میر صاحب و مولوی محمد سرور خان و اصف، کاکا سید احمد خان لودین قندهاری، تاج محمد خان بلوچ پغمانی و يك نفر دیگر که متأسفانه اسمش فراموش شده است.» زمان تأسیس جمعیت «اخوان افغان» که از آن مرحوم حبیبی نام برده با «تصمیم مفکوره تاریخی مشروطیت در افغانستان» که توسط پوهنیار تحریر شده است از نظر زمانی مطابق دارد که به این ترتیب اولین جمعیت سازمان یافته

(حزب) مشروطه خواهان افغانستان به نام «اخوان افغان» طور رسمی اما مخفی باید در آغاز قرن بیستم یعنی (۱۹۰۶م) ایجاد شده باشد. چنانچه جمعیت متشکل تحت همین نام توسط مرحوم سردار محمد رحیم خان ضیائی (شیون) پسر محمد عمر خان نواسه امیر عبدالرحمان خان نویسنده «برگ هائی از تاریخ معاصر وطن ما» که مینویسد: «مولوی سرور و اصف بعداً در کابل جمعیت اخوان افغان را سازمان داد.» نیز تأیید میشود. نکته دیگری در خورتذکر آن است که مبارزات ضد استبدادی و استعماری عصر امیر حبیب الله خان در واقعیت امر تداوم آشوبها و شورشهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دوره امیر عبدالرحمان خان این «مخلوق دوامپرا توری رقیب» و عامل کشتار صد ها غازی، مجاهد و وطن پرست است. پس ریشه های حرکات ضد استبدادی را باید در بطن تضاد های آندوره جستجو نمود. چنانچه اضافه تر از نصف دوره سلطنت این «امیر آهنین» را جنگ های داخلی در بر میگیرد، اما در بین آنها شورش های سیاسی برجستگی خاص داشت. برای ایضاح بیشتر این مطلب و نشان دادن درگیری های سیاسی دوره مذکور پاراگرافی از «افغانستان در مسیر تاریخ» اثر شاد روان غبار را در ذیل اقتباس می نمائیم: «امیر عبدالرحمان خان در ۱۸۸۰م زمامدار شد و از ۱۸۸۱م عکس العمل های مختلفه در برابر او به وجود آمد و سیزده سال طول کشید. این شورشها مختلف بود: در یک جا شورش های سیاسی بود که از طرف رهبران جهاد ملی رهبری می شد زیرا اینها بعد از آنکه روش و سازش امیر را با دولت انگلیس دیدند و رهبران مردم را که برخ دشمن شمشیر کشیده بودند تحت انتقام یافتند، بر ضد امیر به فعالیت آغاز نمودند: از قبیل جنرال محمد جان خان، محمد افضل خان وردکی، میر بچه خان و جلندر خان تتمدری... و امثالهم و قیام های مردم قندهار و سردار محمد ایوب خان، هوتک، ناصر، ترک و اندر، غزنه، میمنه و هرات همه سیاسی بودند.»

بنا بر آن مبارزات مشروطه طلبی از آن عصیانها و شورش های دو دهه اخیر قرن نوزدهم یعنی دوران زمامداری امیر عبدالرحمان خان مایه میگیرد که مطالعه ارگانیک آن خیلی دلچسپ است، اما نظر به ملحوظاتی چند علی الخصوص عدم دسترسی به مآخذ و مدارک، ما فعلاً از بررسی بیشتر آن صرف نظر نموده و مطالعه عمیقتر این موضوع را به آینده واگذار می شویم.

خلاصه کلام جنبش مشروطه افغانستان عکس العمل بی عدالتی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چندین قرنه بود که در اوایل قرن بیستم به تحقق پیوست و مردم میخواستند آن همه محرومیت و مصائب چندین قرنه را از تن ناتوان خود به دور اندازند، اما دریغاً! که چرخ فلک به کام شان نگشت و انقلاب مشروطه بعد از پیروزی به شکست مواجه شد و باز هم این ملت مظلوم تا مدت ها با انواع مصایب، ذلت و سیاه روزی دست و گریبان شد.

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767